

بررسی میزان سازگاری الگوی تحول فرهنگی اینگلهارت در ایران

(براساس شاخص های مادی / فرامادی)

علیرضا ازغندی^۱ - محمد خضری^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۴/۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۵/۶

چکیده:

دنایای جدید با پدیده سرعت تاریخ روبه‌روست، بدین معنی که حوادث بسیار سریع‌تر از گذشته رخ می‌دهد. با گذشت زمان سرعت این تغییرات بیش‌تر شده است و اکنون در مرحله‌ای از زندگی بشر هستیم که یک فرد درطول زندگی خود تغییرات زیادی را تجربه می‌کند. این تغییرات نه تنها در عرصه زندگی مادی و دستاوردهای تکنولوژیک مربوط به زندگی مادی انسان رخ داده، بلکه تغییرات گسترده‌ای در عرصه زندگی فرامادی انسان، باورها، اعتقادات، ارزش‌ها، هنجارها و ... نیز به وقوع پیوسته است. یکی از این تغییرات اساسی، تغییر در ارزش‌ها است. در چند سده اخیر، انقلاب صنعتی جریان‌ی از تغییر را با خود به همراه آورد و شکل نوینی به فرهنگ‌های مغرب زمین بخشید. با گذشت سال‌ها که از اهمیت رشد اقتصادی به منزله مهم‌ترین هدف جوامع می‌گذرد، هم اکنون دگرگونی‌های فرهنگی هستند که جامعه پیشرفت صنعتی را هدایت می‌کنند. اما مظاهر انقلاب صنعتی به ویژه مظاهر مادی آن، در کشورهای مغرب زمین محصور نماند، و با ورود اجتناب‌ناپذیر خود به همه جوامع، تجربه‌های فرهنگی متفاوت و البته در برخی وجوه تجربه‌های مشترکی را نیز موجب شد. مسلماً جامعه ایران نیز استثنایی بر این قاعده نبوده و نیست.

واژگان کلیدی: تحول فرهنگی، تغییرات نگرشی و ارزشی، ایران، شاخص‌های مادی / فرامادی، رفتار اجتماعی

^۱ - استاد، عضو هیئت علمی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران
alirezaazghandi@yahoo.com

^۲ - دانشجوی دوره دکتری تخصصی علوم سیاسی، سیاست‌گذاری عمومی، گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

بیان مساله:

این عقیده رایج نه تنها میان عامه مردم بلکه گاهی در میان پژوهشگران نیز وجود دارد که ایرانی‌ها مردمانی غیرقابل پیش‌بینی هستند. این موضوع تا حد بسیار زیادی نشأت گرفته از این مساله است که تاکنون فعالیت‌های قابل توجهی برای مدل‌سازی فرهنگ جامعه ایران صورت نگرفته است. شاید رایج‌ترین مدل تحلیلی، مدل سنتی- مدرن باشد که به نظر می‌رسد نه تنها نمی‌تواند جواب‌گوی تحلیل‌های تحول فرهنگی باشد بلکه به دلیل تکرار بسیار، از تحلیل‌های علمی جامعه‌شناختی به بحث‌های ژورنالیستی تبدیل شده است. بر این مبنا لزوم شاخص‌ها و مدل جدید در حوزه جامعه‌شناسی فرهنگی در ایران بسیار ضروری به نظر می‌رسد.

از طرف دیگر عدم وجود شاخص‌های دقیق و ملموس برای فرهنگ یکی از اصلی‌ترین دلایل کم‌توجهی به این امر مهم در برنامه‌ریزی‌های کشور به شمار می‌رود. تحولات سیاسی کشور با شاخص‌های مفهومی چون بر سر کار آمدن یک حزب خاص، رواج یک ایدئولوژی ویژه، تغییر در مقدار رای‌دهی و یا میزان رای مردم به یک اندیشه و یا حزب سنجیده می‌شود. تحولات اقتصادی نیز به همین صورت حتی به نحوی دقیق‌تر با شاخص مالی و شاخص‌های قیمت اقلام خاص مشخص می‌گردد. اما تحولات فرهنگی را افراد بیشتر احساس می‌کنند و شاخصی که بتوان از آن به عنوان شاخص تحولات و تغییرات فرهنگی در کشور نام برد یا وجود ندارد و یا تاکنون در جامعه‌شناسی ایران چندان نهادینه نشده است. درک از وجود این تغییرات و تحولات، منحصر به تجربه‌های شخصی افراد و مواجه شدن با موارد غیر معمول در جامعه است. گذشته از برنامه‌ریزی‌های کلان، با آگاهی از وضعیت فرهنگی کشور می‌توان از بروز بسیاری از مسایل اجتماعی جلوگیری نموده و یا به گونه‌ای آمادگی رویارویی با آنها را به وجود آورد. برای مثال یکی از مهمترین این مسایل تضاد اجتماعی است. قطبی بودن نگرش‌های زمینه‌ای و ریشه‌ای می‌تواند در نهایت به تضاد اجتماعی بی‌انجامد که در این حال اولاً آگاهی از نگرش‌های بنیادین و ثانیاً سیر قطبی‌شدن این ارزش‌ها می‌تواند به منظور آمادگی برای مقابله با این تضادها، کمک‌های بسیاری نماید و

روشن است که قسمت دوم آن یعنی سیر قطبی شدن و پیشگویی وضعیت آینده برعهده از نوع پژوهش حاضر است.

به غیر از مساله تضاد، مطمئناً آگاهی از نگرش‌ها و ارزش‌های مردم و سیر تحولات این نگرش‌ها برای همه مسئولان برنامه‌ریزی فرهنگی از اهمیت بالایی برخوردار است. بنابراین مدل‌سازی فرهنگی و نشان دادن تغییرات نگرشی و ارزشی براساس شاخص‌های جدید می‌تواند تا حدی مسایل مطرح شده را تعدیل نماید. در واقع مساله اصلی در این گفتار را می‌توان به این صورت جمع‌بندی نمود که: آیا الگوی تحول فرهنگی اینگلهارت بر تحولات فرهنگی ایران نیز سازگار است یا خیر؟ پاسخ به این سوال با استناد به داده‌های چهار پیمایش ملی ارائه شده است که مشخصات کامل آنها در بخش روش شناسی تحقیق آمده است. فرضیه ما در این پژوهش این است که، الگوی تحول فرهنگی اینگلهارت الگویی مناسب برای تبیین تحول فرهنگی ایران است به شرط آنکه تعدیل‌هایی براساس شرایط خاص جامعه ایران در آن صورت گیرد. بدین معنا که بر مبنای نظر اینگلهارت انتظار می‌رود با پیدایش انقلاب و جنگ تحمیلی هشت ساله، ارزش‌های مادی در دهه شصت، در مقایسه با ارزش‌های حاکم بر دهه هفتاد، ارزش‌های مسلط‌تری به شمار روند. به عبارت ساده‌تر درصد مادیون در دهه شصت بیشتر باشد.

چارچوب نظری:

اینگلهارت در نظریه خود به بررسی نقش مدرنیزاسیون در ایجاد تغییر از ارزش‌های بقا به ارزش‌های خوداظهاری و از ارزش‌های سنتی به ارزش‌های سکولار- عقلانی اشاره می‌کند. به نظر او توسعه اقتصادی در این روند اساسی است؛ زیرا به طور نیرومندی روی شرایط وجودی مردم و شانس‌شان برای بقا تاثیر می‌گذارد. این امر به ویژه در مورد جوامعی که دارای محرومیت‌های اقتصادی هستند صادق است. در این جوامع استراتژی تمام زندگی فرد، کشمکش برای بقا است. در سراسر تاریخ، بقا در مخاطره بوده و انتخاب انسانی برای بیش‌تر مردم محدود بوده است. اما در سال‌های اخیر بیش‌تر کشورهای فراصنعتی سطح بی‌سابقه‌ای از امنیت وجودی را تجربه کرده‌اند. (Inglehart and Welzel, 2007:24)

اینگلهارت و ولزل با بررسی نظریه‌های مختلف در باب تاثیر مدرنیزاسیون بر تغییرات ارزشی، قائل به وجود دو مکتب فکری عمده در این زمینه هستند. یک مکتب بر همگرایی ارزش‌ها به عنوان نتیجه‌ای از مدرنیزاسیون اشاره می‌کند. این مکتب پیش‌بینی می‌کند که ارزش‌های سنتی علی‌رغم تغییرات سیاسی و اقتصادی بطور نسبی مستقل از ارزش‌های اقتصادی هستند. (inglehart and welzel:2007:19) براساس نظریه مدرنیزاسیون، هر چند که عناصر فرهنگی از یک نسل به نسل بعدی منتقل می‌شود؛ اما ارزش‌های بنیادین مردم، منعکس کننده آنچه که آموخته‌اند است؛ همچنین منعکس کننده تجارب مستقیم آنها نیز می‌باشد. در طول نیم قرن گذشته توسعه اقتصادی- اجتماعی، شرایط زندگی مردم را به طور بنیادین و با سرعتی غیرقابل پیش‌بینی تغییر داده است، رشد اقتصادی، افزایش سطح تحصیلات و اطلاعات و متنوع شدن تعاملات انسانی، منابع اجتماعی، شناختی و مادی مردم را افزایش داده و آنها را به طور مادی، هوشی و اجتماعی مستقل‌تر نموده است. افزایش سطح امنیت وجودی و خود مختاری، تجارب زندگی مستقیم مردم را به طور بنیادین تغییر داده است و آنها را به تاکید بر اهدافی که قبلا ارجحیتش پایین بوده، سوق داده است. تاکیدات فرهنگی از اصول جمعی به آزادی فردی، از همنوایی گروهی به تنوع انسانی و از اقتدار دولتی به خودمختاری فردی تغییر یافته که این امر به نشانگانی منجر شده که ارزش‌های خود اظهاری نامیده می‌شود. افزایش ارزش‌های خود اظهاری، مدرنیزاسیون را به یک روند توسعه انسانی تغییر داده است و جامعه‌ای را ایجاد کرده است که به طور فزاینده‌ای فرد محور است. (Ibid)

هرچند به عقیده اینگلهارت و ولزل (۲۰۰۷) تغییرات فرهنگی در جوامع مختلف احتمالی هستند، این تغییرات، قوانین جبری شبیه سوسیالیسم عملی که مارکس طرفدار آن بود نیستند. علاوه بر آن تغییرات فرهنگی خطی نیستند که همانند توسعه اقتصادی در یک جهت حرکت نماید. (Ibid:20)

اینگلهارت در نظریه خود دو فرضیه برای تغییر ارزش‌ها ارائه کرده است.

فرضیه کمیابی: براساس این فرضیه، اولویت‌های فردی انعکاسی از شرایط محیطی فرد است. این فرضیه به تغییرات کوتاه مدت، یا اثرات دوره‌ای اشاره دارد. دوره‌های رونق به فرامادی‌گرایی فزاینده منجر می‌شود و دوره‌های کمیابی منجر به مادی‌گرایی می‌شود.

فرضیه اجتماعی شدن: براساس این فرضیه ارزش‌های بنیادین فرد انعکاسی از شرایطی است که در دوران سال‌های پیش از بزرگسالی فرد غالب بوده است. (Ibid,2007:98-97) فرضیه کمیابی تمایز اساسی بین نیازهای مادی برای بقای فیزیکی، امنیت و نیازهای فرامادی از قبیل احترام خوداظهاری و رضایت را منعکس می‌کند. از آنجایی که نیازهای مادی برای بقا ضروری هستند، هنگامی که این نیازها برآورده شوند، تمایل به اولویت بخشی به سایر نیازها، مانند نیازهای فرامادی فراهم می‌شود. برعکس، هنگامی که نیازهای مادی برآورده نشود، اولویت به این نیازها داده می‌شود. این امر منطبق با سلسله مراتب نیازهای مازلو است. (Inglehart and Welzel,2007:98) این فرضیه پیش‌بینی می‌کند که ناامنی فیزیکی و اقتصادی، نسبت فرامادی‌گراها را کاهش می‌دهد و به طور نسبی شرایط امنیت، منجر به افزایش آنها می‌شود.

اینگلهارت اشاره می‌کند که مقداری از تغییرات کوتاه مدت در ارزش‌ها نتیجه تغییر سطوح تورم است. (Ibid,1947:342) میزان تورم باعث گسترش احساس ناامنی اقتصادی در بین مردم می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که به‌طور بارزی بین شرایط اقتصادی موجود و نوسانات کوتاه مدت در ارزش‌های مادی‌گرایانه و فرامادی‌گرایانه رابطه وجود دارد. بر این اساس، سطوح بالای تورم نسبت فرامادی‌گراها را کاهش می‌دهد. (Ibid,2007:102) براساس فرضیه جامعه پذیری، اینگلهارت پیشنهاد می‌کند که نظام‌های ارزشی نسل‌های جوان‌تر سرانجام جایگزین نظام‌های ارزشی نسل‌های پیرتر خواهد شد. (Gunnell,2007:72) به عقیده او نسل‌های جوان‌تر به طور قابل ملاحظه‌ای دارای ارزش‌های فرامادی‌گراتر نسبت به نسل‌های پیرتر هستند. (Inglehart and Abramson 1994:347, Abramson,1997) که این امر ناشی از شرایط اقتصادی و اجتماعی سخت‌تر نسل‌های پیرتر و افزایش امنیت وجودی نسل‌های جوان‌تر در سال‌های قبل از بزرگسالی‌شان است.

اینشتاد در تحلیلی که از نسل‌ها و روابط بین نسل‌ها ارائه داده است، به خوبی نشان داده که درک هر نسل از جامعه، اشیاء و زندگی مبتنی بر شرایطی است که در آن رشد یافته، تجاربی به دست آورده و مرارت‌هایی محتمل شده است. رفتار نسلی که در شرایط جنگ و محرومیت رشد یافته، با نسلی که جز صلح و رفاه به خود ندیده است، متفاوت است. در

جوامع پیچیده مبتنی بر تحولات سریع، تضاد نسل‌ها غیرقابل اجتناب است. (روشه، ۱۳۸۶: ۱۱۲) مانهیم (۱۹۶۰) نیز در نظریه‌اش درباره تغییرات نسلی، اظهار می‌دارد که هر چه سرعت تغییرات اجتماعی بیش‌تر باشد، بیش‌تر احتمال دارد که گروه‌های جوانانی که دارای فرهنگ مشترک و مدل‌های تعاملی مشترک - که به طور واضح از مدل‌های ترویج شده به وسیله نسل پیرتر متفاوت است - هستند ظاهر شوند. (Siemienska, 2002: 23)

همچنان که مباحث نظری فوق نشان داد، عوامل مختلفی می‌تواند بر تغییر ارزش‌ها در جوامع مختلف تاثیرگذار باشد. در این میان مدرنیزاسیون به عنوان عاملی کلیدی در نظریه‌های مختلف مطرح شده است. در حقیقت مدرنیزاسیون با تغییر شرایط وجودی جامعه، شرایط را برای تغییر ارزش‌ها فراهم می‌آورد که به تفصیل به آن‌ها پرداخته شد.

روش شناسی

در این پژوهش تغییرات نگرشی و ارزشی طی ۳۰ سال اخیر با توجه به تغییرات در نگرش‌ها و ارزش‌های ۴ پیمایش ملی تعیین می‌شود. این پیمایش‌ها عبارتند از:

۱- پیمایش ملی سال ۱۳۵۳؛ ۲- پیمایش انجام گرفته توسط موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی زیر نظر تقی آزاد ارمکی که در سال ۱۳۷۹ به عنوان «بخش تکمیلی ارزش‌های جهانی» طراحی و انجام پذیرفته است؛ ۳- پیمایش سال ۱۳۷۴ توسط منوچهر محسنی تحت عنوان «طرح بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران»؛ ۴- موج دوم مجموعه ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان است که در سال ۱۳۸۲ یعنی ۳ سال پس از انجام گرفتن موج اول در ۲۸ استان کشور با مدیریت محسن گودرزی انجام گرفته است.

در این نوشتار نمونه آماری برای مقایسه افراد ۱۵ تا ۲۵ ساله است/ دلایل انتخاب یک گروه سنی خاص به شرح زیر است:

الف) همانگونه که در بخش‌های بعد خواهیم دید تقریب‌های بسیاری برای مطالعه طولی در نظر گرفته شده است که انتخاب یک گروه سنی خاص می‌تواند با مشخص‌تر نمودن نمونه، این تقریب‌ها را به گونه‌ای تعدیل نماید. البته گروه سنی خاص در نظر گرفته شده، درصد

بسیار بالایی را در نمونه آماری این پیمایش‌ها با توجه به جوان بودن کشور ایران به خود اختصاص داده است.

ب) با توجه به فرضیه اجتماعی شدن اینگلهارت هر چه سن نمونه به زمان شکل‌گیری شخصیت (بلوغ) نزدیکتر باشد بهتر می‌تواند تغییرات فرهنگی همان دوران را نشان دهد به عبارت دیگر و طبق نظر اینگلهارت، جوانان بیش از سایر گروه‌های سنی نشان‌دهنده وضعیت فرهنگی هر عصری هستند و این موضوع در مورد ایران به علت تغییرات سریع و بسیار گسترده سیاسی، اقتصادی و اجتماعی طی ۳۰ سال اخیر الزام خود را بیشتر نشان می‌دهد. از طرفی اطلاعات موجود در باب وضعیت اقتصادی در سال‌های قبل محدود است که این موضوع نیز دلیلی دیگر برای انتخاب افرادی است که دوران بلوغ نزدیکتری (نسبت به زمان حال) دارند.

از آنجا که تغییرات نگرشی و ارزشی در همه حوزه‌ها از حوصله یک مقاله خارج است، در این گفتار سعی بر این است که تغییرات نگرشی و ارزشی مربوط به جنسیت و خانوادگی طی ۳۰ سال اخیر و همچنین تغییر در شاخص مادی/ فرامادی طی این مدت مشخص گردد. در واقع هدف اصلی در این مقاله سنجش تغییرات در میزان مادیون و فرامادیون طی ۳۰ سال اخیر است، اما به دلیل آن که تنها در پیمایش سال ۷۹ سوالات ۱۲ گانه اینگلهارت برای تعریف شاخص مادی/ فرامادی از افراد پرسیده شده است، برای سنجش این تغییرات از سنجش تغییرات نگرش‌های همبسته با شاخص‌های مادی و فرامادی استفاده می‌شود. همانگونه که بیان شد اینگلهارت نشان می‌دهد که فرامادیون بسیار مسامحه‌نگرتر از مادیون به جنسیت و دین می‌نگرند که در این مقاله تنها نگرش‌های مربوط به جنسیت و خانواده در ایران مورد بررسی قرار گرفته‌اند و ابتدا نشان داده شده است که در ایران نیز همانند کشورهای مورد مطالعه اینگلهارت فرامادیون نسبت به مادیون نگرش‌های جنسیتی متفاوتی دارند و سپس به سنجش تغییرات در این نگرش‌های طی ۳۰ سال اخیر پرداخته شده است. در انتها به این پرسش پاسخ داده شده است که درصد تغییرات مادیون و فرامادیون طی این مدت به چه میزان بوده است.

به همین منظور در اصل پیمایشی ملاک قرار داده شده است که علاوه بر نگرش‌های جنسیتی گویه‌هایی نیز برای سنجش مادیون و فرامادیون داراست. این پیمایش، پیمایش سال ۷۹ است در واقع تطبیق انتقادی الگوی تحول فرهنگی اینگلهارت بر الگوی تحول فرهنگی در ایران. این نوشتار تنها به ارزش‌ها و نگرش‌های جنسیتی محدود شده است.

یافته‌های پژوهش (هنجارها، نگرش‌ها و ارزش‌های مربوط به جنسیت و خانواده)

به منظور سنجش بهتر می‌توان هنجارها، نگرش‌ها و ارزش‌ها را به ۳ قسمت تقسیم کرد که عبارتند از:

الف- نگرش‌های جنسیتی:

در این قسمت یک بعد اساسی وجود دارد، اعتقاد به تفاوت زن و مرد در برابر اعتقاد به تساوی آن دو. برای روش ساختن این بعد، سوالات زیر در پیمایش ۷۹ طرح شده است.

گویه ۷۹: تحصیلات دانشگاهی برای یک پسر مهم‌تر است تا برای یک دختر.

گویه ۷۸: در کل مردان نسبت به زنان رهبران سیاسی بهتری می‌شوند.

جداول و نتایج آزمون همبستگی این گزینه‌ها با سنخ‌های ارزشی را در جدول (۱) و (۲) می‌توان مشاهده نمود.

جدول ۱: برتری رهبری سیاسی مردان بر زنان بر حسب سنخ‌های ارزشی، پیمایش ۷۹			
سنخ ارزشی			Sing=0.000 Gamma=0.127
فرامادیون	التقاطیون	مادیون	
٪۲۳/۱	٪۳۰/۷	٪۳۰/۸	کاملاً موافق
٪۳۰/۸	٪۳۴/۶	٪۴۱/۳	موافق
٪۳۰/۳	٪۲۴/۷	٪۱۹/۶	مخالف
٪۱۵۰/۸	٪۱۰/۰	٪۸/۳	کاملاً مخالف

جدول ۲: اهمیت بیشتر تحصیلات مردان نسبت به زنان برحسب سنخهای ارزشی، پیمایش ۷۹			
سنخ ارزشی			Sing=0.000 Gamma=0.127
مادیون	التقاطیون	فرامادیون	
%۲۹/۹	%۱۷/۹	%۱۴/۶	کاملاً موافق
%۱۹/۴	%۱۸/۸	%۱۳/۳	موافق
%۳۸/۲	%۴۲/۰	%۴۲/۹	مخالف
%۱۹/۴	%۲۱/۳	%۲۹/۲	کاملاً مخالف

همانگونه که مشاهده می شود sing=0/000 برای هر دو سوال و $\delta = 0/129$ و $\delta = 0/$ 127برایسوالهای ۷۸ و ۷۹ است. این نتایج نشان می دهد که فرامادیون نسبت به مادیون به همسانی نقش های اجتماعی برای دو جنس اعتقاد بیشتری دارند.

ب- نگرش های مرتبط با ازدواج و خانواده:

این نگرش را می توان در قالب ۳ بند زیر مورد بررسی قرار داد:

۱- یکی از مهم ترین این نگرش ها و ارزش ها، نگرش نسبت به خصوصیات یک زن خوب است که البته این نگرش به نوعی نگرش جنسیتی به شمار می آید. ولی به دلیل آن که در دیگر پیمایش ها به اینگونه که بهترین خصوصیت یک زن خوب برای ازدواج چیست؟ مطرح شده و در عین حال در پیمایش ۷۹ نیز تا حدودی همین برداشت از این سوال می شود این نگرش در ذیل عنوان نگرش های خانواده و ازدواج قرار می گیرد.

این سوال دارای گزینه های زیر است: ۱- حجاب ۲- معاشرتی بودن ۳- استقلال رای ۴- مادری خوب بودن ۵- همسری خوب بودن ۶- فضیلت دین ۷- کارکردن بیرون از خانه ۸- تحصیلات ۹- حمایت از خانواده

تقی آزاد ارمکی در کتاب خود جامعه شناسی تغییرات فرهنگی نشان می دهد که این ۸ گزینه به غیر از معاشرتی بودن می توانند سه شاخص را تولید کنند که او آنها را به نام زن مذهبی، زن مدرن و زن سنتی نامگذاری می کند. گویه های حجاب و فضیلت دینی، زن

مذهبی، مادری خوب بودن همسری خوب بودن و حمایت از خانواده، زن سنتی و استقلال رای، کارکردن بیرون از خانه و تحصیلات، شاخص‌های زن مدرن را تولید می‌کنند.

نتایج آزمون همبستگی میان این سه شاخص با سنخ ارزشی مادی / فرمادی در جداول (۳) تا (۵) قابل مشاهده است.

جدول ۳: نتایج آماری گاما (انتخاب زن سنتی برحسب سنخ‌های ارزشی)، پیمایش ۷۹				
Symmetric Measures				
	value	Asymp.std. Error(a)	Approx.T (b)	Approx. .sig
Ordinal by ordinal Gamma	.181	.025	7.140	.000
N of valid cases	1646			

a. Not assuming the null hypothesis

b. Using the asymptotic standard error assuming the null hypothesis

جدول ۴: نتایج آماری گاما (انتخاب زن مدرن برحسب سنخ‌های ارزشی)، پیمایش ۷۹				
Symmetric Measures				
	Value	Asymp.std.Error(a)	Approx.T(b)	Approx.sig
Ordinal by ordinal Gamma	-.184	.024	-7.445	.000
N of valid cases	1646			

a. Not assuming the null hypothesis

b. Using the asymptotic standard error assuming the null hypothesis

جدول ۵: نتایج آماری گاما (انتخاب زن مذهبی برحسب سنخ‌های ارزشی)، پیمایش ۷۹				
Symmetric Measures				
	value	Asymp.std.Error(a)	Approx.T(b)	Approx.sig
Ordinal by ordinal Gamma	.094	.025	3.705	.000
N of valid cases	1646			

a. Not assuming the null hypothesis

b. Using the asymptotic standard error assuming the null hypothesis

همانگونه که مشاهده می‌شود با سطح معناداری $\delta, sig = 0.000$ های زیر بدست آمده است.
 $\delta = 0/184$ مدرن زن - $\delta = 0/181$ سنتی زن - $\delta = 0/094$ مذهبی زن

نتیجه آنکه فرامادیون نسبت به مادیون اهمیت بیشتری برای زن مدرن و ارزش کمتری نسبت به زن سنتی و مذهبی قائلند.

۲- تعداد مطلوب فرزند: سوال طرح شده به این صورت است:
 گویه ۶۶: فکر می‌کنید تعداد ایده آل برای هر خانوار چندتا است؟ چند فرزند یا هیچ فرزند مناسب است؟
 نتایج را در جدول (۶) مشاهده می‌کنید.

جدول ۶: تعداد آل فرزند برحسب سنخ های ارزشی، پیمایش ۷۹			
سنخ ارزشی			Sig=0.000 Gamma=0.119
فرامادیون	التقاطیون	مادیون	
2.1%	3.9%	3.0%	هیچی
16.6%	16.0%	10.8%	10
63.9%	58.9%	60.8%	2
12.0%	15.5%	18.2%	3
3.7%	3.9%	4.7%	4
1.2%	.9%	2.2%	5
	.4%	.2%	6
	.4%		7
0.4%	.1%	02%	8 و بیشتر

$\delta = -/119, sig = 0/005$ نشان دهنده این موضوع است که فرامادیون نسبت به مادیون تعداد فرزند کمتری را برای یک خانواده ایده آل می‌دانند.

۳- کارکردن زن در بیرون از خانواده: یکی از بحث برانگیزترین نگرش‌ها، نگرش به کار کردن زنان است. در پیمایش سال ۷۹ سؤالات زیر برای سنجش این نگرش به کار گرفته شده است.

گویه ۷۵: ما در که کار نمی‌کند رابطه گرم و پایدار با فرزندش برقرار می‌کند.

گویه ۷۶: کدبانو و خانه دار بودن درست به اندازه ی کار کردن برای دستمزد ارضا کننده است.

گویه ۷۷: زن و شوهر هر دو باید در کسب در آمد خانواده سهیم باشند.

گویه ۷۸: حس می‌کنید وجود کدام یک از خصوصیات زیر در یک زن تز همه مهمتر است: کار کردن بیرون از خانه؟

نتایج را می‌توان در جداول (۷) تا (۱۰) مشاهده نمود.

جدول ۷: کار کردن زنان (مادری که کار کمکی کند رابطه گرم و پایدار با فرزندانش برقرار می کند) برحسب سنخ‌های ارزشی، پیمایش ۷۹			
سنخ ارزشی			Sig=0.000 Gamma=0.153
فرامادیون	التقاطیون	مادیون	
۳۳.۳٪	۳۹.۵٪	۴۷.۰٪	کاملاً موافق
۴۰.۷٪	۳۴.۸٪	۳۵.۵٪	موافق
۲۱.۲٪	۲۱.۳٪	۱۵.۱٪	مخالف
۴.۸٪	۴.۵٪	۲.۳٪	کاملاً مخالف

جدول ۸: کار کردن زنان (کدبانو و خانه دار بودن درست به اندازه کار کردن برای دستمزد ارضاکننده است) برحسب سنخ‌های ارزشی، پیمایش ۷۹			
سنخ ارزشی			Sig=0.048 Gamma=0.069
فرامادیو	التقاطیون	مادیون	
۳۵.۰٪	۳۸.۷٪	۴۳.۱٪	کاملاً موافق
۳۶.۷٪	۳۶.۴٪	۳۱.۴٪	موافق
۲۳.۵٪	۲۲.۱٪	۲۴.۲٪	مخالف
۴.۹٪	۲.۸٪	۱.۲٪	کاملاً مخالف

جدول ۹: کار کردن زنان (زن و شوهر هر دو باید در کسب درآمد خانواده سهیم باشند) برحسب سنخ‌های ارزشی، پیمایش ۷۹			
سنخ ارزشی			Sig=0.876 Gamma=0.005
فرامادیون	التقاطیون	مادیون	
۲۳.۶٪	۲۴.۴٪	۲۷.۳٪	کاملاً موافق
۵۲.۳٪	۴۳.۸٪	۴۴.۳٪	موافق
۲۰.۳٪	۲۷.۴٪	۱۹.۶٪	مخالف
۳.۸٪	۴.۴٪	۸.۸٪	کاملاً مخالف

جدول ۱۰: کار کردن زنان (حس می‌کنید که وجود کدام یک از خصوصیات زیر در یک زن از همه مهمتر است: کار کردن بیرون از خانه؟) برحسب سنخ‌های ارزشی، پیمایش ۷۹			
سنخ ارزشی			Sig=0.039 Gamma=-0.062
فرامادیون	التقاطیون	مادیون	
۱۴.۲٪	۱۳.۰٪	۱۶.۶٪	کاملاً موافق
۲۰.۸٪	۲۰.۵٪	۱۵.۵٪	موافق
۴۰.۴٪	۳۲.۱٪	۲۹.۷٪	نه موافق و نه مخالف
۱۶.۳٪	۲۲.۸٪	۲۴.۳٪	مخالف
۸.۳٪	۱۱.۶٪	۱۳.۹٪	کاملاً مخالف

به غیر از سؤال ۷۷ (سؤال ۷۷ دقیقاً به معنای کار کردن زن خارج از خانه نیست و ممکن است زن در داخل خانه هم در کسب درآمد خانه سهیم باشد). بقیه گویه‌ها با پاسخ سنخ ارزشی مادی/فرامادی همبستگی نشان می‌دهند (با سطح معنی داری بیشتر از ۰.۹۵). نتیجه آن که فرامادیون نگرش بسیار مثبت‌تری در برابر کار کردن زنان در خارج از خانه از خود نشان می‌دهند.

ج- نگرش‌هایی در مورد روابط بین زن و شوهر:

سؤالات زیر جهت سنجش نگرش نسبت به روابط میان زن و شوهر در پیمایش سال ۷۹ پرسیده شده است.

۹۰- داشتن بیش از یک زن برای مرد کار مناسب و درستی است.

۹۲- زن همواره باید مطیع شوهر خویش باشد.

نتایج را می‌توان در جداول (۱۱) و (۱۲) مشاهده نمود.

جدول ۱۱: اعتقاد به تعدد زوجات برحسب سنخ‌های ارزشی، پیمایش ۷۹			
سنخ ارزشی			Sig=0.016 Gamma=-0.078
فرامادیون	التقاطیون	مادیون	
۵.۰٪	۶.۹٪	۵.۳٪	کاملاً موافق
۷.۴٪	۵.۳٪	۴.۶٪	موافق
۱۴.۴٪	۱۲.۷٪	۸.۵٪	نه موافق و نه مخالف
۳۲.۳٪	۳۲.۹٪	۳۵.۹٪	مخالف
۴۱.۳٪	۴۲.۱٪	۴۵.۸٪	کاملاً مخالف

جدول ۱۲: اعتقاد به پیروی زن از مرد برحسب سنخ‌های ارزشی، پیمایش ۷۹			
سنخ ارزشی			Sig=0.000 Gamma=0.134
فرامادیون	التقاطیون	مادیون	
۱۲.۳٪	۲۲.۹٪	۲۶.۸٪	کاملاً موافق
۳۰.۶٪	۲۶.۸٪	۲۶.۷٪	موافق
۱۶.۷٪	۱۹.۰٪	۲۱.۰٪	نه موافق و نه مخالف
۲۱.۶٪	۱۸.۷٪	۱۶.۱٪	مخالف
۱۸.۸٪	۱۲.۷٪	۹.۵٪	کاملاً مخالف

همانگونه که مشاهده می‌شود (جداول ۱۱ و ۱۲) هر دو گویه با سنخ‌های ارزشی مادی/فرامادی همبستگی - ای نسبتاً قوی با سطح معنا داری بالا نشان می‌دهند.

مجموعاً در باب تفاوت‌های سنخ‌های ارزشی مادی و فرامادی در مورد نگرش‌های خانواده می‌توان گفت که مادیون بیشتر به خانواده سنتی (که در آن تعداد فرزند بیشتر، مطیع بودن زن نسبت به مرد، خصوصیات زن سنتی و مذهبی مانند حجاب و خانه‌داری ارزش‌های بیشتری دارد) معتقدند. می‌توان حدس زد مؤلفه‌های دیگر ازدواج سنتی همچون سن پایین زن برای ازدواج، ازدواج فامیلی و اظهار نظر والدین در امور فرزندان پس از ازدواج نیز مانند نگرش‌های سنتی دیگر باشد و فرامادیون اعتقاد ضعیف‌تری نسبت به آنها داشته باشند.

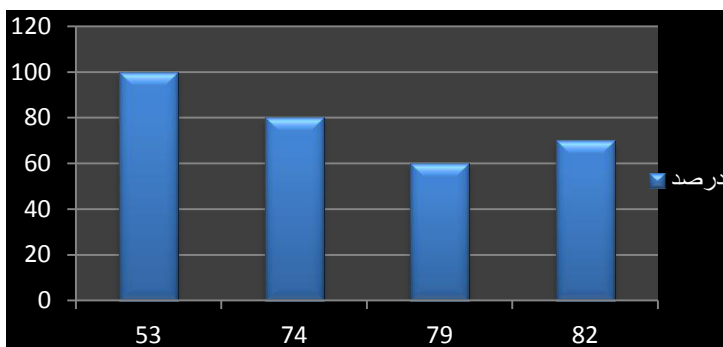
در مورد نگرش‌های جنسیتی هم اوضاع همینگونه است به این ترتیب که فرامادیون نگرش - های مدرن‌تر و غیرتبعیض‌آمیزتری را نسبت به جنسیت دارند (تحصیلات و کار کردن زن خارج از خانه و زن سیاسی). به نظر می‌رسد که در مورد دیگر نگرش‌های جنسیتی نیز وضع به همین منوال باشد. حال می‌توان تغییرات در این نگرش‌ها را طی این ۳۰ سال مورد بحث قرار داد.

در میان ۴ پیمایش مورد بررسی سه گویه مشابه (در باب گرایشات خانواده و جنسیت) در همه آنها وجود دارد.

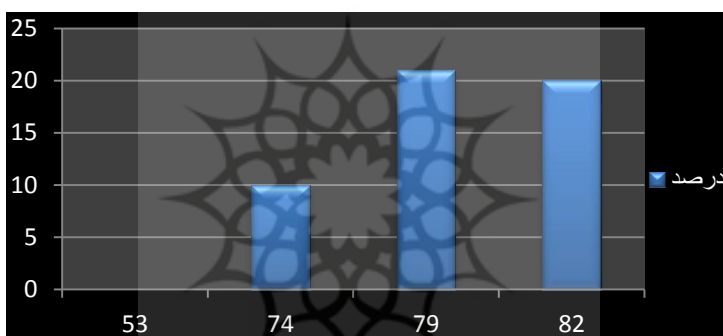
۱- خصوصیات یک زن خوب

این خصوصیات را می‌توان به سه دسته مدرن، زن سنتی و زن مذهبی تقسیم نمود. درصد کسانی را که خصوصیات زن ایده‌آل خود را با خصوصیات یکی از دسته‌های فوق منطبق یافته‌اند، در پیمایش‌های چهارگانه ردیابی نمودار (۱) و (۲) و (۳) بر همین اساس شکل گرفته‌اند.

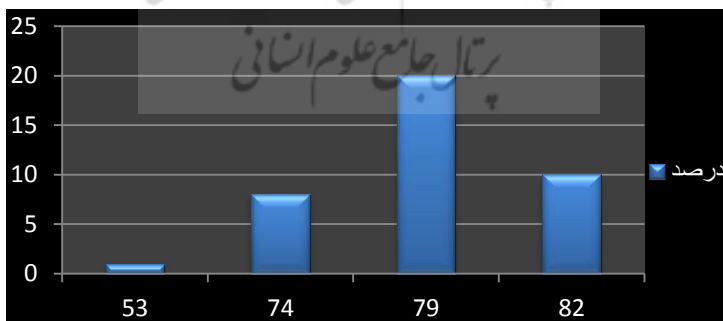
نمودار ۱: درصد افرادی که زن ایده آل خود را زن سنتی معرفی کرده‌اند.



نمودار ۲: درصد افرادی که زن ایده آل خود را زن مدرن معرفی کرده‌اند.



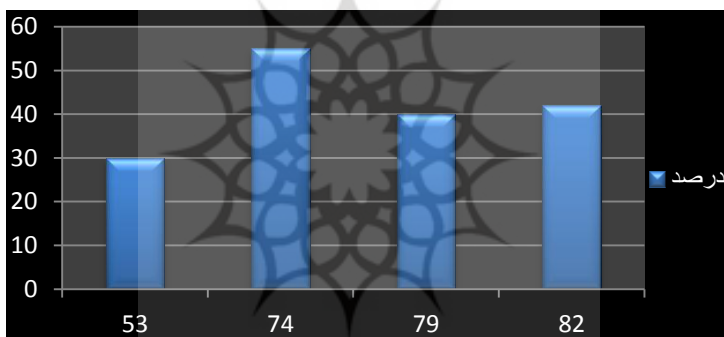
نمودار ۳: درصد افرادی که زن ایده آل خود را زن مذهبی معرفی کرده‌اند.



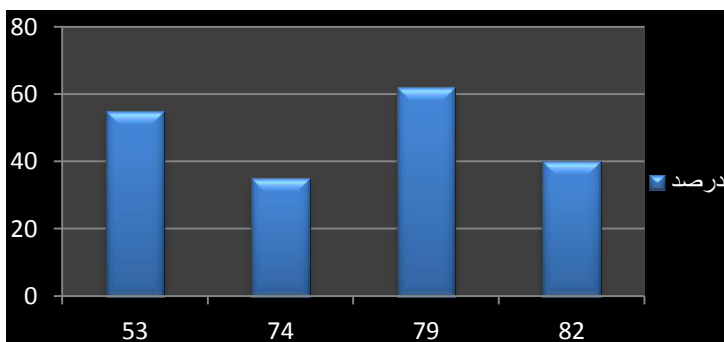
۲- در خانواده شما معمولاً چه کسی تصمیم می‌گیرد.

خانواده پدرسالار از خصوصیات پایه‌ای خانواده سنتی است. در پیمایش ۷۹ این خصوصیت با سوال «زن باید از شوهر خود اطاعت کند» پرسیده شده است و با سنخ‌های ارزشی نیز همبستگی قابل توجهی نشان داده است (جدول ۱۲). البته این سوال در پیمایش‌های دیگر اینگونه پرسیده شده است که معمولاً در خانواده شما چه کسی تصمیم می‌گیرد ولی با توجه به پیمایش ۷۹ و همبستگی میان دو گویه معمولاً چه کسی بیشترین نفوذ و تاثیر را در برخورد با مسائل داشته است و گویه زن همواره باید مطیع شوهر خویش باشد از گویه اول استفاده می‌کنیم. نتایج در نمودارهای (۴) و (۵) مشاهده می‌شود.

نمودار ۴: درصد افرادی که اظهار داشته‌اند در خانواده تصمیمات اساسی را مرد می‌گیرد.



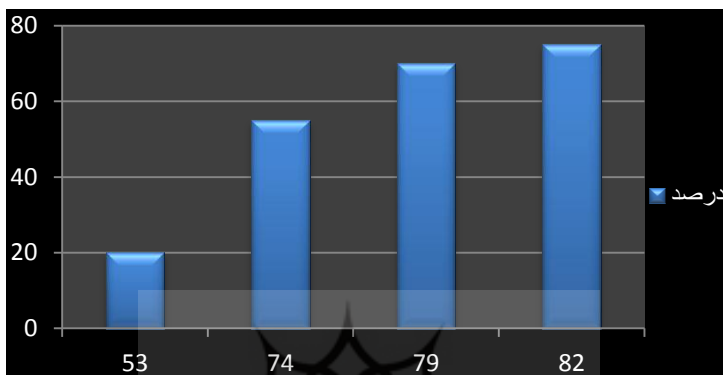
نمودار ۵: درصد افرادی که اظهار داشته‌اند در خانواده‌شان تصمیمات اساسی را همه می‌گیرند.



۳- کارکردن زنان

نتایج در نمودار (۶) آورده شده است.

نمودار ۶: درصد افرادی که موافق کارکردن زنان در بیرون از خانه هستند.

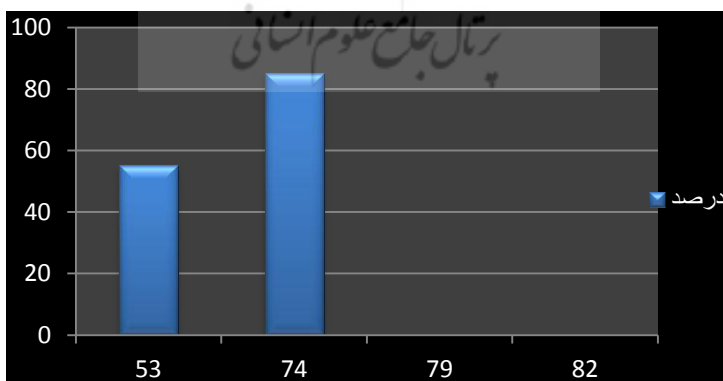


سوال‌های دیگری که در ۲ یا ۳ پیمایش تکرار شده است:

۴- حجاب:

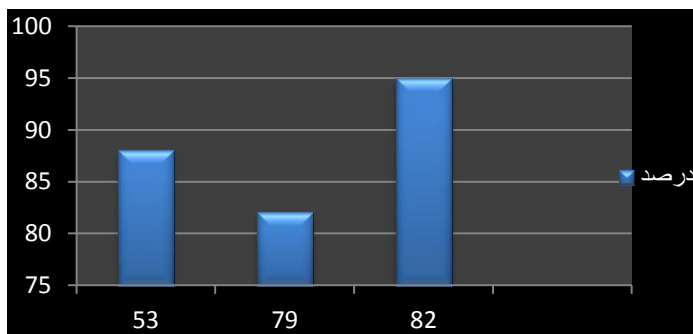
نمودار (۷) نتایج این مقایسه را نشان می‌دهد

نمودار ۷: درصد افرادی که زبان با حجاب را ترجیح می‌دهند



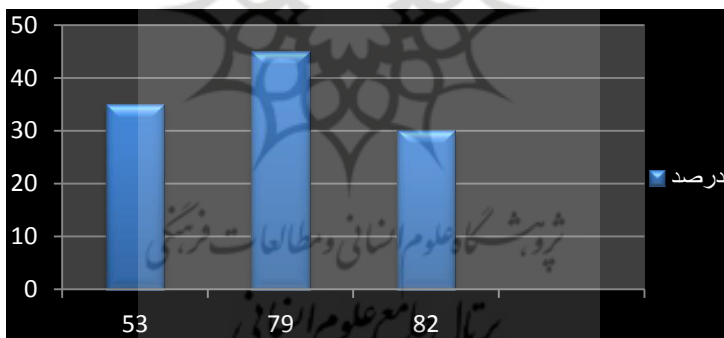
۵- تعداد فرزند ایده آل: (نمودار ۸)

نمودار ۸: درصد افرادی که تعداد فرزند ۲ و یا کمتر را به عنوان تعداد ایده آل خود بیان داشته‌اند



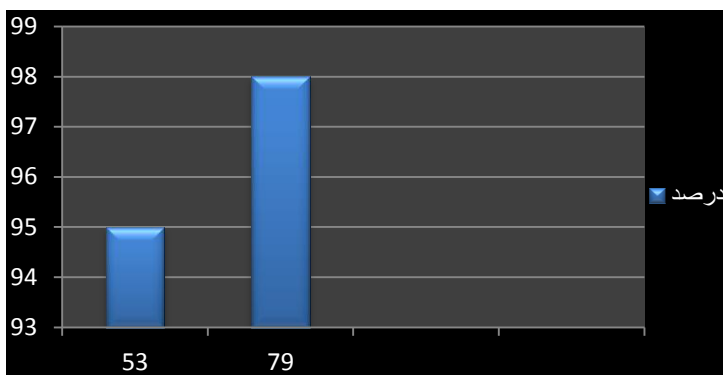
۶- اولویت ازدواج با فامیل: (نمودار ۹)

نمودار ۹: درصد افرادی که اولویت ازدواج را فامیل می‌دانند



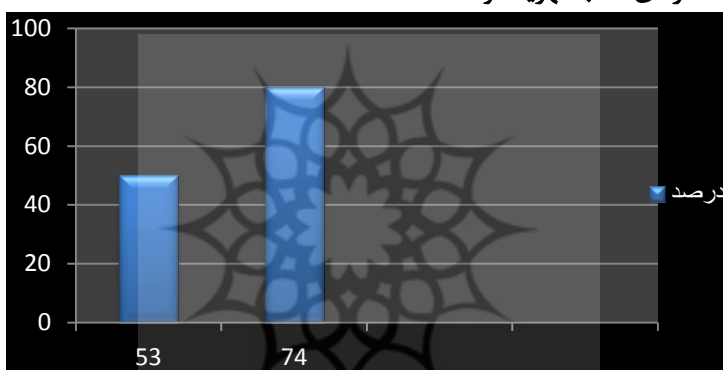
۷- تربیت فرزندان: (نمودار ۱۰)

نمودار ۱۰: درصد افرادی که برای تربیت فرزند از رفتار مسالمت آمیز استفاده می‌کنند



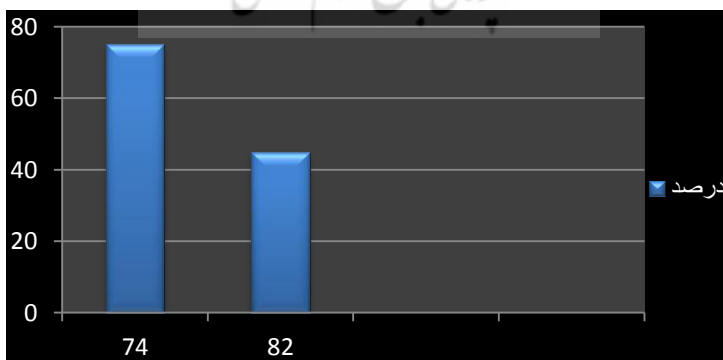
۸- اهمیت مهریه: (نمودار ۱۱)

نمودار ۱۱: درصد افرادی که با مهریه موافقت می‌کنند



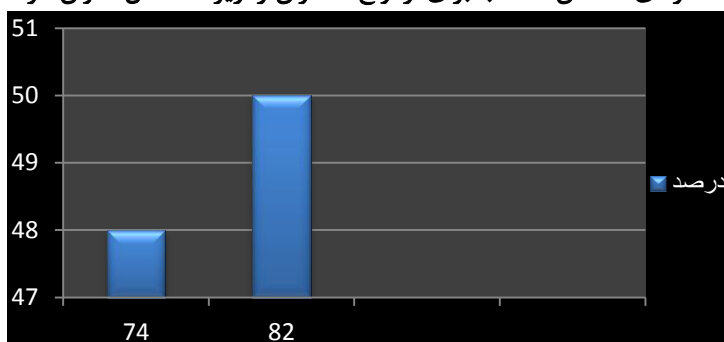
۹- اظهار نظر والدین در امور فرزندان پس از ازدواج: (نمودار ۱۲)

نمودار ۱۲: درصد افرادی که با اظهار نظر والدین در امور فرزندان پس از ازدواج موافقت می‌کنند



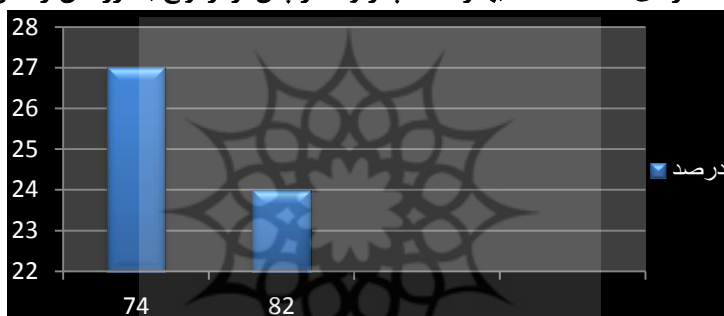
۱۰- سن ازدواج برای دختر: (نمودار ۱۳)

نمودار ۱۳: درصد افرادی که سن مناسب برای ازدواج دختران را زیر ۲۰ سال عنوان کرده‌اند.



۱۱- نومکانی: (نمودار ۱۴)

نمودار ۱۴: درصد افرادی که معتقدند بهتر است پدر و مادر پس از ازدواج با فرزندان زندگی کنند



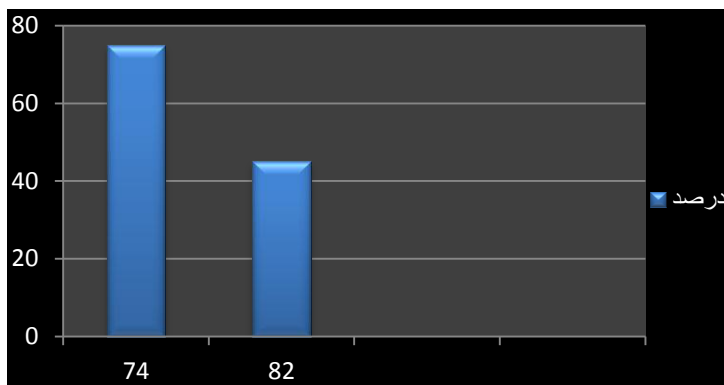
۱۲- ارجحیت کار برای مردان: (نمودار ۱۵)

نمودار ۱۵: افرادی که موافقت در زمانی که مشاغل محدودند مردان حق بیشتری برای اخذ آن کارها دارند



۱۳- زن سیاسی: (نمودار ۱۶)

نمودار ۱۶- افرادی که با این گویه موافقت: در کل مردان نسبت به زنان رهبران سیاسی بهتری هستند.



داده‌های ارایه شده در جداول جنسیت و خانواده را می‌توان شواهدی موید فرضیه‌های دانست که بیش‌تر بیان شدند. اگر از جداول ۱ و ۳ و ۱۵ صرف‌نظر کنیم، همانگونه که در دیگر جداول مشاهده می‌شود گرایش به خانواده سنتی و همچنین گرایشات جنسیتی سنتی در سال‌های ۷۴ بیشتر از سال‌های ۷۹ و ۸۲ است و این نشان‌دهنده گرایشات مادی بیشتر در این دوران است لذا این قسمت تا حدودی می‌تواند موید این فرضیه باشد که در دهه ۶۰ به دلیل بروز جنگ، تحریم و پیامدهای انقلاب، گرایش به مادی‌گری افزایش یافته است. البته در این قسمت نیز تنها قسمتی از فرضیه (دهه ۶۰ و ۷۰) تایید می‌شود ولی در مورد دهه ۵۰ و ۴۰ تایید فرضیه با شواهد نقض‌کننده مواجه می‌شود به این صورت که در برخی گرایشات دهه ۶۰ مادی‌گرایانه‌تر از دهه ۴۰ و ۵۰ است و در برخی گرایشات برعکس. همانگونه که در قسمت فرضیه‌های تحقیق بیان شد رشد GDP طی این سال می‌تواند در تایید تمام و کمال فرضیه فوق (مادی‌گراتر بودن دهه ۶۰) را با مشکل مواجه کند. زیرا از طرفی ما شاهد مشکلات جنگ و انقلاب در دهه ۶۰ هستیم و از طرفی شاهد رشد GDP نسبت به دهه ۴۰ و ۵۰ هستیم. البته تقریب‌های زیادی که برای تطبیق گویه‌های این ۴ پیمایش و همچنین طیف‌های به کار رفته شده، صورت گرفته نیز می‌تواند دلیلی دیگر برای عدم اثبات فرضیه مطرح شده باشد.

در اینجا لازم است در مورد یک جدول توضیح بیشتری داده شود و آن سنجش نظر افراد در مورد معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج است که نتایج آن خلاف فرضیه مطرح شده است. اما به نظر می‌رسد نگاهی دقیق‌تر به گویه‌های این دو پیمایش گره‌گشای این مشکل باشد چرا که در پیمایش سال ۸۲ همراه کلمه معاشرت کلمه دوستی نیز به کار رفته است که بار منفی بسیاری را در جامعه داراست. به همین دلیل است که موافقین این گویه در سال ۸۲ کمتر از ۷۴ سال بوده‌اند.

نتیجه‌گیری:

تحولات اقتصادی و سیاسی و اجتماعی بسیار گسترده چند دهه اخیر در ایران بدون شک نشانی پنهان از تغییرات فرهنگی در این کشور بوده است وجود این تغییرات و همچنین نبود شاخص‌های جدید برای مدل نمودن این تغییرات، موتور اصلی انجام این تحقیق به شمار می‌رود. هدف از این تحقیق در واقع آزمون تطبیق‌پذیری نظریه تحول فرهنگی اینگلهارت طی ۳۰ سال اخیر بر کشورمان و همچنین نگاهی به سیر تحولات نگرشی (نگرش‌های جنسیتی) در طول این مدت بوده است. برای نیل به این هدف در این پژوهش از تحلیل ثانویه ۴ پیمایش ملی طی سال‌های ۱۳۵۳ و ۱۳۸۲ استفاده شد و به این دلیل که آزمون شاخص مادی / فرامادی اینگلهارت تنها در پیمایش سال ۱۳۷۹ مورد سنجش قرار گرفته بود، ابتدا به طور مقطعی گرایش‌ها همبسته با این شاخص‌ها (مادی / فرامادی) در سال ۷۹ به دست آمده و سپس تغییرات در این شاخص‌ها با توجه به تغییرات در گرایش‌ها همبسته طی این ۳۰ سال مشخص شد.

نتایج حاصل از این گفتار را می‌توان در بندهای زیر بیان نمود:

نخست آنکه، به صورت غیرمستقیم پی می‌بریم که شاخص‌های مادی / فرامادی در کشور ایران نیز قابلیت کاربردی دارند. به این معنی که در ایران نیز می‌توان از افراد مادی یا فرامادی صحبت نمود و این دو شاخص ایرانیان را به دو گروه متفاوت و در حقیقت به دو

قطب متضاد تقسیم می‌کنند. نتیجه آنکه با اطمینان می‌توان این دو شاخص را در ادبیات جامعه‌شناسی فرهنگی ایران به کار برد و توسط آنها به تفسیر و تبیین جامعه‌شناسی پرداخت.

دوم آنکه، یافته‌های پژوهش نشان داد که در ایران نیز همانند دیگر کشورها (کشورهای غربی مورد مطالعه قرار گرفته توسط اینگلهارت گرایش‌ات جنسیتی، همبستگی معناداری را به سنخ‌های ارزشی مادی/ فرامادی از خود نشان می‌دهند. به این معنا که فرامادیون در ایران نیز نگرش‌ها و ارزش‌های جنسیتی متفاوتی را نسبت به مادیون دارا می‌باشند و همانند دیگر کشورها، این نگرش‌ها آزاد اندیشانه‌تر و مسامحه‌نگرتر است. در واقع مشابهت دو موضوع «همبستگی» و جهت همبستگی ارزش‌های جنسیتی و سنخ‌های ارزشی مادی/ فرامادی در ایران با دیگر کشورها، نتیجه دیگر این گفتار را تشکیل می‌دهد.

سوم آنکه، نمودارهای رسم شده نشان دادند که نیمی از فرضیه‌ها مبنی بر افزایش مادیون در دهه ۶۰، صحیح بوده است و درصد مادیون در این دهه بیشتر از درصد مادیون در دهه ۷۰ است. لذا فرضیه ما مبنی بر این که در دهه ۶۰ به دلیل بروز جنگ، تحریم و پیامدهای انقلاب، گرایش به مادی‌گری افزایش یافته است، تا حدودی صحیح می‌باشد. در موردی دهه ۵۰ و ۴۰ تایید فرضیه با شواهد نقض‌کننده مواجه می‌شود به این صورت که در برخی گرایش‌ات دهه ۶۰ مادی‌گرایانه‌تر از دهه ۴۰ و ۵۰ است و در برخی گرایش‌ات برعکس. رشد GDP طی این سال‌ها می‌تواند تایید تمام و کمال فرضیه فوق (مادی‌گراتر بودن دهه ۶۰) را با مشکل مواجه کند، زیرا از طرفی کشور شاهد مشکلات جنگ و انقلاب در دهه ۶۰ است و از طرفی شاهد رشد GDP نسبت به دهه ۴۰ و ۵۰ البته تقریب‌های زیادی که برای تطبیق گویه‌های این چهار پیمایش و همچنین تطبیق طیف‌های استفاده شده در هر نگرش صورت گرفت، نیز می‌تواند دلیلی دیگر برای عدم اثبات فرضیه مطرح شده باشد.

در انتها اگر فرض کنیم که تقریب‌های به کار برده شده برای رسم این جداول به کلیت تبیین ما خللی وارد نمی‌کند. می‌توان نتیجه گرفت که برای ثبت تغییرات بین دو دهه ۶۰ و ۷۰ می‌توان از شاخص‌های مادی/ فرامادی استفاده نمود در حالی که این موضوع درباره دهه ۵۰ و ۶۰ صدق نمی‌کند.



منابع فارسی:

- اسدی، علی (۱۳۵۶)، *گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی در ایران: گزارشی از یک نظرخواهی ملی در سال ۱۳۵۳*، تهران. پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، *تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی*، ترجمه: مریم وتر، تهران. نشر کویر
- تقی آزاد ارمکی و احمد غیاثوند (۱۳۸۳)، *جامعه‌شناسی تغییرات فرهنگی*، چاپ اول، تهران. نشر آن
- چلیپی، مسعود (۱۳۸۳)، *چارچوب مفهومی: پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*. چاپ اول، تهران. نشر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۹)، *بررسی، آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران*، چاپ اول، تهران. نشر دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح‌های ملی ۱۳۸۲، *یافته‌های پیمایش در ۲۸ مرکز استان کشور: ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان: (موج دوم)*، تهران. نشر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

منابع انگلیسی

- Inglehart Ronald, Christian welzel (2007(2005), **Modernization, Cultural Change, and Democracies** paper presented at the annual meeting of the American Political Science Association, Boston Marriott Copley place, Sheraton Boston & Hynes

- Inglehart Ronald and paul R. Abramson.(1994),**Economic Security and Value change, The American Political Science Review**. Vo.88,No.2
pase.336-354
- Inglehart Ronald and Wayne E.Baker, (2000),**Modernization. CulturaChange , And The Persistence Of Traditional Values**,AmericanSociological Review , Vol.65(February:19-51)
- Paul R Abramsonand susan Ellis andInglehart Ronald.(1997),**Research in context: Measuring Value Change. Political Behavior**, Vol.19,No.1.The Economics of Politics in Comparative Perspective Revisited. Pase.41-59

مقالات

- Gunnel Martin (2007) , **Intergenerational Differences in Political Values and Attitudes in Stable and New DemScacies** , International Journal of Comparative Sociology , Vol .43,No.3-5,pp.368-390

سایت

- World Bank Institute Governance & Anti – Corruption , Date set,
www.worldbank.org/wbi/governance/govdatasets/external/html
- World Values Survey , Data Set,www.worldvaluessurvey.org